

جاری شود».

حجت الاسلام والمسلمین قاضی زاده با تأکید بر حوزه اختیارات ولایت فقیه اظهار داشت: «اگر کسی نتواند حوزه ولایت مطلقه را بر اساس ادله ثابت کند، قاعدتاً ظرفیتی از باب حکم حکومتی در احکام وضعی یا احکام تکلیفی مورد بحث ما یعنی در خصوص اسناد عادی وجود ندارد و نمی‌شود از آن استفاده کرد، مگر موارد خاصی که شاید عناوین اضطرار و ضرورت ذکر شود که عناوین ثانویه مورد قبول بقیه و تحقق آن خیلی سخت است؛ اما اگر بر اساس مبنای ولایت مطلقه کسی خواست پیش برود، فرقی نمی‌کند که این اطلاق ولایت را در احکام تکلیفی به کار ببرید یا در احکام وضعی. علت این است که آنچه در این بخش معیار این حکم حکومتی است، تشخیص مصالح موقت اجتماعی در مقابل یک حکم الزامی یا حکم وضعی شرع است و اگر قرار باشد تشخیص مصالح بتواند مانع اجرای حکم اولیه شرع شود، این تشخیص مصلحت می‌تواند مانع اجرای حکم وضعی هم بشود».

رئیس مؤسسه پژوهشی فرهنگی فهیم تصریح کرد: «شاید بتوان تمهیداتی جست که به لحاظ موضوعی قبل از رسیدن به حکم حکومتی، چالش‌ها را با تشخیصاتی که در حوزه وزن‌کشی اسناد عادی و اسناد رسمی و بینه در سیره عقلا در دوران معاصر وجود دارد، حل کنیم؛ به نظر خیلی بعید هم نیست که نیازی به بخش حکم حکومتی و کشف ظرفیت‌هایش نباشد».

وقتی که با نگاه اداره جامعه به احکام وضعی و تکلیفی نگاه کنیم، تفاوتی بین آن‌ها نخواهیم داشت

در ادامه این نشست، حجت الاسلام والمسلمین صرامی گفت: «به طور طبیعی نه فقط در هنگام تعارض، بلکه اساساً ادله حجیت اسناد غیررسمی در شرایطی که موضوع حجیت آن اسناد غیررسمی مثل شهود و غیره فراهم نباشد، حکمش هم نمی‌آید. حکم حکومتی یعنی اسلام پاسخگوی همه مسائل و موضوعات در تمام زمان‌ها است؛ به فرض بگوییم اسناد غیررسمی مثل شهود و اقرار، در این زمان معتبر و حکم شرعی و موضوعش تمام است، ولی در اجرا با چالش‌هایی روبه‌رو شده است و مثلاً

نوبت به اجرای حکم حکومتی می‌رسد. مبنای حکم حکومتی عبارت از این است که فقط اسلام پاسخگوی همه مسائل و موضوعات در تمام زمان‌ها است و به صورت حداکثری مدعی آن است که می‌تواند فرد و جامعه را اداره کند و تمام مسائل حقوقی، روابط فردی و اجتماعی و بین حکومت و مردم و داخلی و بین‌المللی را پاسخگو باشد. حکم حکومتی نهادی است که در ساختار و سازمان فقه برای تکمیل پاسخگویی گذاشته شده است، البته ابزارهای دیگری از جمله اجتهاد صحیح و اجتهاد همراه با شناخت درست مسائل هم وجود دارد. حکم حکومتی نگاهش به تمام احکام شرعی است. دلیل و نشانه چنین ادعایی از سوی فقه این است که مجموعه احکام و اهداف اسلام برای فرد و جامعه را می‌بیند و حکم حکومتی این‌ها را در خود تعبیه کرده است؛ یعنی وقتی حکم حکومتی می‌خواهد مسئله را حل کند، این طور نیست که نگاهش تنها به یک حکم باشد، بلکه همان‌طور که نگاهش به تمام احکام شرعی است، به اهداف کرسی شرع نیز هست و از قضا اهداف کلی شرع به این باشد که مسئله‌ای عقلایی است.

به‌عنوان مثال، امنیت، عدالت و نظم از اهداف کلی عقلا در روابط فردی و اجتماعی هستند و اسلام هم با نگاه و قرائت خود این‌ها را به‌عنوان اهداف کلی می‌بیند و وقتی ادعا می‌کند پاسخگوی همه مسائل است، یعنی همان‌طور که احکام شرعی را در اختیار دارد و حکومت اسلامی مکلف است این اهداف را اجرا کند مکلف است اهدافی را که شارع می‌خواهد، نشان دهد؛ تا انسان‌ها را طبق آن اهداف به سعادت دنیوی و اخروی برساند».

وی با تأکید بر اهمیت نوع نگاه به حکم حکومتی گفت: «از این جهت است که وقتی ما حکم حکومتی را این‌گونه ببینیم و بررسی کنیم که ضوابط تشخیص حکم حکومتی بر اساس این مبنا چیست، مسئله خیلی سخت نخواهد بود و بین حکم وضعی و تکلیفی هم تفاوتی نیست که در اینجا فارغ باشد؛ زیرا در اداره جامعه و حکومت بر اساس فقه به طور طبیعی همان‌طور که در فقه نیازمند احکام وضعی و تکلیفی هستیم، در اداره جامعه نیز به هر دو نیاز داریم».

همان‌طور که احکام تکلیفی گاهی اوقات در اجرا مبتلا به یک چالش و اهم خود می‌شود

که باید در شرایطی کنار گذاشت، حکم وضعی هم همین‌گونه است. وقتی که با تفاوتی مبنایی به مسئله نگاه کنیم، تفاوتی بین حکم وضعی و تکلیفی نخواهیم داشت، اما نکته مهم این است که حکم حکومتی را به درستی بشناسیم و ظرفیت آن را در هر موردی به درستی اجرا کنیم».

حجت الاسلام والمسلمین صرامی در رابطه با ضوابط مهم اجرای حکم حکومتی اظهار داشت: «یکی از ضوابط مهم اجرای حکم حکومتی، کارشناسی در آن موضوع است، یعنی واقعاً باید دید آماری که در زمینه‌های مختلف ارائه می‌شود، آیا واقعاً ناشی از شهادت شهود معتبر است یا حکمش، مثلاً شهادت شهود یا اقرار درست اجرا نمی‌شود؛ یعنی اگر بر فرض از فرد اسناد غیررسمی را بی‌اعتبار اعلام کنیم و باطل بدانیم، باید روشن شود که این سند غیررسمی با هدف امنیت (به معنای تام و توسعه‌یافته آن) منافات دارد. وقتی که حکم حکومتی می‌خواهد صادر شود، باید در راستای تحقق امنیت، عدالت و نظم بوده و کارشناسی شده باشد».

رئیس پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با بیان اینکه ضابطه در این باره آن است که اهم و مهم صورت بگیرد، تصریح کرد: «فرض کنید که حجیت اسناد غیررسمی را حکم شرعی می‌دانیم، بتوانیم هدفی را که در خصوص مثلاً امنیت اقتصادی است، اهم از حجیت حکم شرعی در ارتباط با سند غیررسمی بدانیم و این‌ها کارهای زیادی می‌طلبند. در این راستا، باید سه ضابطه در راستای اهداف کلی شارع، کارشناسی و اهم و مهم شده در موردش صورت گرفته باشد».

حجت الاسلام والمسلمین صرامی یادآوری کرد: «باید به نهادهایی که مصدر حکم حکومتی هستند و می‌خواهند مسئله را حل کنند، با این سه ضابطه کمک کرد. به‌عنوان مثال، توضیح داده شود، بحث زمین‌خواری که از ناحیه اعتبار اسناد غیررسمی است، چطور به امنیت و عدم تحقق عدالت در جهات مختلف کشور ضرر می‌زند و چطور این مسئله اهم از ۱۰۰ مسئله دیگر است و این نیازمند صدها مقاله، کتاب و تحقیق میدانی و مبنایی است تا این بحث‌ها روشن و منقح شود و بتوانیم پاسخ به سؤال ارائه دهیم».